

Islamic Knowledge and Insight

معرفت و بصیرت اسلامی

Religious Devotions of Shah Abbas I and Their Impact on His Political Actions

تقیدات مذهبی شاه عباس اول و اثر آن در اقدامات سیاسی او

1. Moosa Kosari Damirchi: PhD Student, Department of History, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran
 2. Amir Teymour Rafiei*: Assistant Professor, Department of History, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran. (Email: Amirteymour_rafiei@yahoo.com)
 3. Seyed Hassan Quorishi Karin: Associate Professor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran

۱. موسی کوثری دمیرچی: دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران
 ۲. امیرتیمور رفیعی: استادیار، گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. (پست الکترونیک: Amirteymour_rafiei@yahoo.com)
 ۳. سیدحسن قریشی کرین: دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Abstract

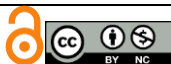
چکیده

The religious policy of Shah Abbas I can be analyzed from at least two perspectives. First, his religious beliefs and devotions, as well as the degree of his adherence to Islamic and religious principles, which naturally influenced his political orientations. Second, the way Shah Abbas I dealt with followers of different Islamic sects. This article aims to examine the religious devotions of Shah Abbas I. Some authors have portrayed Shah Abbas I as a highly religious king committed to religious principles, while others have regarded him as an autocratic ruler indifferent to religious matters. It is evident that most historical sources from the Safavid era highlight Shah Abbas I's adherence and devotion to Islam and Twelver Shi'ism, as well as his commitment to enforcing Islamic laws, such as performing obligatory daily prayers, fasting, and organizing mourning ceremonies. Shah Abbas I consistently presented himself as a devout adherent to Islamic law and the Shi'a Ja'fari sect. Claiming to be a Sayyid and a devout Shi'a, he emphasized reverence for the Ahl al-Bayt (peace be upon them) and venerated Sheikh Safi, his ancestor, who was believed to trace his lineage back to Imam Ali (peace be upon him). His religious achievements and services can be interpreted within the framework of this devotion and religious commitment. It cannot be categorically stated that Shah Abbas I's religious interests were insincere.

سیاست مذهبی شاه عباس اول دست کم از دو جنبه قابل بحث و بررسی است. نخست باورها و تقیدات مذهبی وی و درجه التزام او به مبانی شرعی و مذهبی، که طبعاً در جهت گیری های سیاسی وی نیز موثر بوده، دوم به لحاظ برخوردی که شاه عباس اول در مقابل پیروان مذاهب مختلف اسلامی از خود نشان داده است. در این مقاله کوشش بر آن است تا تقیدات مذهبی شاه عباس اول مورد بحث و بررسی قرار گیرد. برخی نویسندگان کو شیده اند تا شاه عباس اول را به عنوان یک پادشاه بسیار مذهبی و مقید به مبانی دینی معرفی نمایند، اما برخی دیگر او را پادشاهی خودکامه و بی قید و بند به امور دینی و مذهبی انگاشته اند. پروا ضح است که اکثر منابع تاریخی عصر صفوی از التزام و تقید شاه عباس اول به دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری و التزام وی به اجرای احکام شرع، از جمله برای داشتن نمازهای واجب یومیه و روزه و برپایی مجالس روضه و عزاداری به وفور یاد کرده اند. شاه عباس اول همواره چنین وانمود می کرد که به شریعت اسلام و مذهب شیعه جعفری مقید است، و چون خود را سید و شیعه معتقدی می دانست، در تعظیم اهل بیت علیهم السلام و جد خود شیخ صفی، که نسب او را به امام علی (ع) می رساندند، تظاهر می کرد. دستاوردهای دینی و خدمات مذهبی او را می توان در چارچوب همین التزام و علائق مذهبی دانست و نمی توان گفت که علائق مذهبی شخص شاه عباس اول واقعی نبوده باشد.

Keywords: *Shah Abbas I, religious devotion, Shi'a Ja'fari, Shi'a scholars*

کلیدواژگان: شاه عباس اول، تقید مذهبی، شیعه جعفری، علمای شیعه.



How to cite: Kosari Damirchi, M., Rafiei, A. T., & Quorishi Karin, S. H. (2024). Religious Devotions of Shah Abbas I and Their Impact on His Political Actions. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(2), 61-68.

شیوه استناددهی: کوثری دمیرچی، موسی، رفیعی، امیرتیمور، قریشی کرین، سیدحسن. (۱۴۰۳). تقیدات مذهبی شاه عباس اول و اثر آن در اقدامات سیاسی او. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۲(۲)، ۶۸-۶۱.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Submit Date: 18 April 2024

تاریخ ارسال: ۳۰ فروردین ۱۴۰۳

Revise Date: 27 May 2024

تاریخ بازنگری: ۷ خرداد ۱۴۰۳

Accept Date: 18 June 2024

تاریخ پذیرش: ۲۹ خرداد ۱۴۰۳

Publish Date: 20 July 2024

تاریخ چاپ: ۳۰ تیر ۱۴۰۳

مقدمه

مذهب در دوران صفویه یکی از مهم‌ترین و موثرترین مولفه‌های امنیت ساز در بین پادشاهان صفوی بوده است و با توجه به اینکه پادشاهان صفوی اولین حکومتی بودند که منجر به تشکیل دولت ملی در ایران گردید، لذا این پادشاهان همواره اهتمام داشتند خود را به عنوان رهبر و پادشاه شیعه در برابر حکومت عثمانی معرفی و جلوه‌گری نمایند، بنابراین حمایت علماء شیعه و طبیعتاً مردم برای آنان مهم بوده است. ظهور و بروز عباس اول به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حکام شیعی و احیاء کننده هویت مذهبی ایرانی در خور اهمیت بوده است. دوران سلطنت پر فراز و نشیب شاه عباس اول از دیگر شاهان صفوی ممتاز بوده و تعاملات و تقابلات هدفمند این شاه بزرگ با عوامل امنیت ساز مذهبی در داخل حکومت خود در بازسازی و توسعه و پیشرفت حکومت صفوی موثر بود، در رابطه با زندگانی پر فراز و نشیب عباس کبیر و تعلق و تقید مذهبی وی به دین مبین اسلام و دیانت او دیدگاه‌های مختلفی مطرح است که این دیدگاه‌ها را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم نمود؛ دیدگاه اول دیدگاهی است که او را سخت متعصب در دین و مذهب و مسلمانی واقعی دانسته اند و دیدگاه دیگر اینکه برخی عباس را عدم پایبند به مسائل مذهبی و دینی نوشته‌اند و او را صرفاً پادشاه سیاسی خوانده‌اند. اما آیا حقیقتاً عباس فاقد تعلق مذهبی بوده است؟ به نظر می‌رسد برای ارزیابی مناسب از این سوال بایستی ابتدا نگاهی به قرآن کریم داشته باشیم تا بتوانیم جواب روشن‌تری بدست آوریم. قرآن داستانی را در سوره حجرات آیه ۱۴ مطرح می‌فرماید که در آن اعراب بادیه نشین خدمت رسول اکرم (ص) رسیدند و به ایشان گفتند که یا رسول الله ما ایمان آورده ایم ولی آیه ای از جانب خداوند نازل می‌گردد که "قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا" ترجمه " بگو که شما ایمان نیاوردید و لیکن بگوئید مسلمان شدیم" بنابراین ایمان امری قلبی است و لیکن در رابطه با مسلمانی و دین داری عباس نمی‌توان او را از مسلمانی جدا کرد چرا که بنا به روایات اقرار به اسلام ظاهریست و کسی که به زبان اسلام می‌آورد در جرگه مسلمین است. به گمان

می‌رسد برای بررسی تقیدات و تعلقات مذهبی شاه عباس و اینکه او شاهی مذهبی می‌باشد، بایستی عوامل ذیل را مورد بررسی نماییم. ۱. رویکرد و عملکرد مذهبی وی ۲. تعامل شاه عباس با علماء شیعه ۳. برخورد با فرق و افراتیون مذهبی ۴. توسعه اماکن و ساختار مذهبی توسط ایشان ۵. نگاه جامعه نسبت شاه عباس اول یافته‌های فوق نشان می‌دهد عباس دارای تقید و تعلق به دین مبین اسلام و شیعه جعفری بوده است و هویت مذهبی وی بر سر تا سر حکومت وی سیطره پیدا کرده است، اما در چارچوب یک پادشاه که دارای قدرت سلطانی بوده و به تخت پادشاهی خویش نیز وفادار بوده است.

در این راستا کتاب‌های مختلفی در رابطه با اقدامات مذهبی شاه عباس اول و رفتار وی با کارگزاران و مرتب‌ترین وی به نگارش درآمده است، از جمله کتاب ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی نوشته منصور صفت گل، ایران عصر صفوی راجر سیوری، لیکن در این مقاله سخن از تعلقات مذهبی شاه عباس به میان خواهد آمد. این مقاله بر اساس روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری مورد مطالعه قرار گرفته و به صورت توصیفی و تحلیلی به تحریر درآمده است.

رویکرد و عملکرد مذهبی شاه عباس اول صفوی

گویند شاه عباس مسلمان و در مذهب شیعه سخت متعصب بوده و به خدا و پیغمبر و دوازده امام و قرآن مجید ایمان و باور داشته است (فلسفی، ۱۳۷۱ ه.ش: ۱۵) وی روزی پنج مرتبه نماز می‌خوانده است (تاجبخش، ۱۳۷۸ ه.ش: ۳۰۵) مولف تاریخ عالم آرای عباسی که منشی مخصوص عباس است می‌نویسد: شاه عباس "هیچ وقت از توجه و استغراق بدرگاه الهی غافل نبوده در هنگام توجه و عرض حاجات چنان مستغرق بحر وصول درگاه احدیت می‌گردند که گوئیا از بدن خلع گشته‌اند" (Beyg Monshi Torkman, 1896) شیخ عباس قمی می‌گوید از شاه عباس خیرات و آثار بسیار به یادگار مانده است، وی به نقل از میرداماد می‌نویسد «ایام را به پاکیزگی و عبادت می‌گذرانید، و غسل می‌کرد و روزه می‌داشت، و زیارت مأثوره را با فقیر به جا می‌آورد.» (Qomi, 1959) میرخواند

داشت (Tavernier, 1990)، اما به نظر می‌رسد هرچند عباس از سفر به مشهد و توجه به این شهر به دنبال دستاوردهای اقتصادی نیز بوده باشد اما بایستی اذعان داشت که نحوه ارادت و نحوه رسیدگی عباس به حرم امام رضا (ع) و مورد توجه قرار دادن آن مکان می‌تواند منافاتی با نگاه اقتصادی وی نداشته باشد، بنابراین عباس با این کار خود علاوه بر اینکه مردم تنگدست را به بارگاه امام رضا (ع) مورد توجه قرار داد، پایگاه بزرگ مذهبی و مرجعیت را به موازات در ایران قرار داد تا مدیریت جریان مذهبی را در ایران قرار دهد تا بر معادلات دنیای اسلام اثرگذار باشد.

رویکرد مذهبی عباس در رابطه با سایر اماکن مقدس شیعه نیز قابل توجه بود، وی بسیار علاقه داشته به زیارت عتبات عالیات عراق برود، اما چون آن اماکن با عثمانی‌ها دست به دست میشد، در فرصت ایجاد شده به زیارت می‌رفت (Beyg Monshi Torkman, 1896). وی تا زمانی که در عراق به سر می‌برد، مکرر به زیارت مراقد مقدس ائمه در کاظمین و کربلا و نجف و سامرا حضور پیدا می‌کرد و در هر کجا به تعمیر و تزئین آن اماکن همت می‌گماشت و برای هر یک از مراقد مقدس متولیان و حکام شیعی مذهب و و موقوفات خاص معین می‌کرد (Mirkhwand, 1854).

شاه عباس در روز ولادت و شهادت اهل بیت (ع) مراسم جشن و عزاداری برپا می‌کرد، وی هر سال از روز نوزدهم تا روز بیست و هفتم ماه رمضان، به مناسبت واقعه شهادت علی (ع) و در ده روز اول ماه محرم از طرف شاه و بزرگان و اعیان کشور، در پایتخت و شهرهای دیگر، مجالس روضه خوانی دائر می‌نمود، حتی وی دوست داشت که در آرامگاه رسول اکرم (ص) نیز به تعمیرات بپردازد (Fasai, 2003).

برخی از نویسندگان از جمله سایکس ارادت عباس به اهل بیت را غیرواقعی دانسته و هدف از آن را تحریک احساسات مردم می‌دانستند، آنان بر این باور بودند که عباس به هر وسیله‌ای که ممکن بود احساسات مذهبی را تهییج می‌نمود (Sykes, 2001) اما به نظر می‌رسد این همه رفت و آمد و بست نشستن‌ها در بارگاه‌های متبر که

می‌نویسد " او را مسلمانی معتقد تصویر کرده‌اند" فسایی نیز می‌گوید عباس "در مراتب دینداری و خدایپرستی و مراعات فقرا و احسان... در انتهای کمال بود" (میرخواند، ۱۲۷۰ ه.ق: ۳۲۴ و ۴۷۰) شاه عباس در میادین جنگی پیراهنی می‌پوشید که بر روی آن ادعیه و آیاتی از قرآن کریم نوشته شده بود. (آزند، ۱۳۸۰ ه.ش: ۸۸؛ تاجبخش، ۱۳۷۸ ه.ش: ۳۰۵) شاه عباس به نحوی به اهل بیت علیهم السلام ارادت داشت که هنگامی که به پادشاهی رسید خود را کلب آستان علی (ع) خطاب نمود (Beyg Monshi Torkman, 1896). گفتنی است که شاه عباس موقوفات زیادی را ایجاد کرد و از اراضی خالصه شخص شاه در نقاط مختلف کشور به این امر کمک نمود (Azhand, 2001) او در سال ۱۰۱۶ ه.ق املاک خود را برای چهارده معصوم (ع) وقف نمود (Ahmadi Kermani, 2007).

رویکرد مذهبی عباس در رابطه با مرقد مطهر امام هشتم (ع) و بقاء متبر که شیعه نیز قابل توجه و زبان زد عام و خاص بود، وی برای مرمت و توسعه آستان مقدس رضوی هزینه می‌کرد (Mahdavi, 2007). وی همیشه به زیارت مشهد مقدس عشق و علاقه وافر نشان می‌داد (Fasai, 2003). عباس هرگاه در خراسان بود به زیارت مقبره امام هشتم می‌رفت، شب زنده داری می‌نمود و همچون خادمان فرش‌ها را جارو می‌زد (Savory, 2005) شاه عباس در سال ۱۰۰۹ ه.ق پیاده به زیارت امام رضا (ع) رفت (Ahmadi Kermani, 2007; Mahdavi, 2007) وی این سال وی به موجب نذری که کرده بود پیاده عزیمت نمود (Etemad al-Saltaneh, 1984) عباس در این سفر دستور داد تا محوطه حرم امام رضا (ع) تا حدی توسعه داده شده و صلاحاتی را در بعضی امورات نیز انجام گیرد (Ghadyani, 2008). رفته رفته شهر مشهد در پی توجه صفویان به صورت بزرگ‌ترین کانون مذهبی درآمد، چون عتبات عالیات در درگیری ایران و عثمانی در قلمرو آنان بود، شاه عباس توجه ویژه‌ای به مشهد داشت (Sefat Gol, 2010). تاورنیه انگیزه عباس برای توجه به مشهد مقدس را جلوگیری از خروج نقدینگی از کشور دانسته است. و می‌گوید جنبه سیاسی شاه عباس بر جنبه دینی او غلبه

عمرانی بهره برداری می‌نمود، ارتباط وی با دانشمندان مذهبی به گونه‌ای بود که حتی در برخی موارد دختران خود را به عقد آنان در می‌آورد و با آنان ارتباط سببی ایجاد می‌نمود، وی در کوچ علما به ایران بسیار کوشید و به دنبال مرجعیت علمی و فقهی ایران بود تا با استفاده از ظرفیت علماء ساختار حکومت خود را تقویت نماید و در برابر تصوفهای بدون پشتوانه، حکومت خود را نظام مند کند، به کوشش او اصول، فقه، کلام، عرفان، حکمت و ادبیات رونق گرفت و روحانیون مناصبی مانند صدارت و شیخ الاسلامی را به دست آوردند، به نحوی که منصب صدارت یکی از دوران خوب و طولانی تاریخ خود را در حکومت عباس به سپری می‌کرد.

در رابطه با نحوه تعامل شاه عباس با شیخ احمد مقدس اردبیلی (از مراجع بزرگ شیعه ساکن عتبات عالیات در آن زمان) نوشته‌اند که وی با کمال احترام و ادب با ایشان رفتار می‌کرد و در زمانی که عباس یکی از ملازمان خود را مورد خشم خود قرار داد، او به مقدس متوسل می‌شود تا نزد شاه شفاعتش را کند، مقدس نیز در این مورد به عباس نامه‌ای نوشت، و شاه عباس نیز در جواب این مرجع می‌نویسد: «عباس، خدمتی که فرموده بودید به جان منت دانسته به تقدیم رسانید که این محب را از دعای خیر فراموش نکنید.» (شریف رازی، ۱۳۵۲ ه.ش: ۲۵۷/۷) همچنین رفتار شاه عباس با ملاعبدالله شوشتری (وی بعد از مقدس اردبیلی مرجع شیعیان گردید) را نیز به گونه‌ای محبت‌آمیز دانسته‌اند، شاه عباس وی را با تعظیم و احترام تمام به اصفهان آورد و به او توجهات فراوانی نمود تا جایی که وی در دستگاه شاه نفوذ و قدرت بسیار پیدا کرد و شاه به توصیه او در اصفهان دو مدرسه در کنار میدان نقش جهان، برای تدریس و اقامت وی و شیخ لطف الله ساخت (Ravandi, 1975) گویند قبل از ورود ملا عبدالله در اصفهان تعداد طلاب این شهر به پنجاه نفر نمی‌رسید لکن در هنگام وفات وی بیش از هزار نفر طلبه علوم دینی در این شهر وجود داشته است (Mahdavi, 2007).

شاه عباس برخی از علمای بزرگ را با خود همراه و هم نشین می‌نمود. غالباً با حضور آنان مجالسی را ترتیب می‌داد، و از مباحثات

بدون تعلق به آن بزرگواران نمی‌تواند بوده باشد و به گفته سیوری "نمی‌توان گفت علائق دینی شخص عباس واقعی نبوده است" (Savory, 2005).

گفته شده است شاه عباس همیشه لباس بسیار ساده می‌پوشید (Tajbakhsh, 1999) و سادگی را می‌پسندید (Savory, 2005) همچنین وی در پذیرایی‌های رسمی ظاهرش با دیگران چندان تفاوتی نداشت (Tajbakhsh, 1999). شاردن تأکید می‌کند که "من هرگز ندیده و نشنیده‌ام که از پادشاه جز بر درباریان و بزرگان بر دیگر خلقان بی‌دلیل ستمی رفته باشد" (Tashakkori & Elham, 2014).

در مقابل دیدگاه‌های مثبت برخی نیز می‌نویسد که شاه عباس چندان به رعایت اصول مذهبی و اخلاقی پایبند نبوده و در این رابطه میگساریها و قتل و کشتار بیگناهان را مؤید این معنی دانسته‌اند (Ravandi, 1975) اما به نظر می‌رسد از سویی بخشی از گزارشات تاریخی مرتبط با میگساری وی که عمدتاً در سفرنامه‌های سیاحان بیان شده است را بایستی در جایگاه سلطنت و شاهی عباس توجیه نمود، و در این رابطه، مقوله میگساری عباس رفته رفته وی با همنشینی با علما و ارتباط با دانشمندان شیعه تعدیل رفتار نموده باشد. از سوی دیگر برخی نیز توسط نویسندگان عثمانی که عمدتاً دشمن درجه یک صفویه بودند بیان شده است و در آثار نویسندگانی همچون اسپناچیچی پاشازاده نویسنده کتاب تاریخ انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام مطرح گردیده است، در رابطه با ظلم عباس نیز آنچه در اسناد تاریخی بر می‌آید فشار و سختی عباس بیشتر بر زمامداران حکومت خود بوده است.

تعامل شاه عباس با علماء شیعه

رفتار شاه عباس با علماء شیعه به گونه‌ای بود که اهتمام داشت با مراجع و بزرگان شیعه با احترام فراوان رفتار و روحانیون پرهیزکار را به چشم احترام نگاه نماید. وی از دانشمندان و نخبگان مذهبی که همراه حکومت او بودند به انحاء مختلف حمایت و از ظرفیت آنان برای اداره حکومت، وضع قوانین، توسعه اماکن مذهبی و طرح‌های

اگر حمایت‌های شاه عباس نبود میرداماد نمی‌توانست مسائل فلسفی خود را به راحتی بگستراند. (Ebrahimi Dinani, 2006) و در واقع در پرتو همین حمایت‌های عباس بود که، میرداماد فلسفه ابن سینا را در کسوت اشراق احیا کرد (Azhand, 2001)

برخورد عباس با فرق و افراطیون مذهبی

عباس با افراطیون مذهبی و فرق مختلف نیز برخورد نمود و آنان را محدود نمود. شاه عباس در مقابله با برخی از گروه‌های افراطی مانند قلندریان (دراویشی که سر و روی خود را می‌تراشیدند و به فساد اخلاقی و صوفی‌گری می‌پرداختند) که مدعی مهدویت شدند برخورد نمود. وی تهرائیان (کسانی که دوره شاه اسماعیل اول و طهماسب اول در کوچ و بازار حرکت می‌کردند و لعن مقدسات اهل سنت می‌کردند و هر کس از آن امتناع می‌نمود او را می‌کشتند آنان عمدتاً با امرای قزلباش ارتباط داشتند) را نیز محدود نمود (Ravandi, 1975) و با برخورد با قزلباشان صوفی که علماء شیعه هم از آنان ناراضی بودند، برخورد کرد (Ghadyani, 2008) حتی به فرمان شاه عباس هواداران آئین نقطویان و آئین‌های مشابه که در شهرهای مختلف ایران وجود داشتند، تعقیب و به مرگ محکوم ساختند (Azhand, 2001).

توسعه ساختار و اماکن مذهبی توسط شاه عباس اول

در دوره شاه عباس شاهد توسعه ساختار دینی و پیوند این ساختار با نظام سیاسی عباس هستیم و همچنین اقدامات سازنده وی برای توسعه اماکن مذهبی که خود گویای تعلقات دینی و مذهبی وی می‌باشند. در این دوره ساختار دینی در حالی به فعالیت خود ادامه می‌داد که گرایش‌های فکری در آن رفته رفته به تعیین یک نهادی می‌رسید، در این ساختار سلسله مراتب دیگر مستقر شده بود، زیرا وجود شیخ الاسلام در راس این ساختار دینی و وجود صدر در زمینه رسیدگی به امور شرعی و اوقاف نشانه این استقرار بود (Sefat Gol, 2010) هرچند ساختار دینی شیعه ایران محصول تعامل و همکاری‌های متقابل میان صفویان و علماء شیعه در ایران بود (Sefat Gol, 2010). اما تلاش‌های شاه عباس اول باعث شد که نظام سیاسی و

و مناظرات دینی ایشان استفاده می‌کرد. (افوشته‌ای، ۱۳۷۳ ه.ش: ۵۶۵) وی در مقام تربیت علما و فضلا و امرا و شعرا بود و شعرا را امر می‌کرد که مدایح و مناقب گویند و برای آن جایزه‌های بسیار می‌گرفتند (Mirkhwand, 1854). نحوه تعامل شاه عباس با روحانیون به گونه‌ای بود که هم آن‌ها حدّ خود را می‌دانستند (Savory, 2005) و هم شاه عباس به گونه‌ای مدیریت نموده بود که نزاع‌هایی که در گذشته بین روحانیون بود در این دوره کم‌تر مشاهده می‌شد (Savory, 2005) و از اینکه علما با یکدیگر در صلح و آرامش بودند خوشحال بود (Fasai, 2003).

از جمله اقدامات شاه عباس حمایت و بهره‌برداری از ظرفیت علماء و دانشمندان همچون شیخ بهایی و میرداماد بیان گردیده است. که به نظر می‌رسد رشد این دو دانشمند بزرگ بدون حمایت شاه عباس شاید شدنی نبود، با حضور این دو شخصیت برجسته و اقدامات عباس، مقام شیخ الاسلامی که ضعیف گردیده بود تقویت گردید (Ghaffari Kashani, 1984) عباس به دنبال تدوین قوانین حکومتی نیز برآمد و به دستور وی تألیف کتاب‌های جامع عباسی (که یک دستورالعمل دینی برای سراسر سال‌های بعد عباس شد) توسط شیخ بهایی تدوین (Sefat Gol, 2010) گردید که البته فصل پنجم آن توسط شاگرد او نظام الدین ساوجی تکمیل گردید، همچنین کتاب جزوات توسط میرداماد به دستور عباس نگاشته شد (Ebrahimi Dinani, 2006). عباس از ظرفیت این دانشمندان برای توسعه مذهبی کمک شایانی گرفت و در بازسازی حکومت صفوی بهره‌ها جست.

شاه عباس به شیخ بهایی علاقه و توجه خاصی داشت (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۱۴ ه.ق: ۱/۱۱۶) و او را دست راست خود در کار عملی ساختن بنای تاریخی پایتخت قرار داد (Savory, 2005) به نحوی که دوران ترقی او را مصادف با روزگار شاه عباس اول دانسته اند (افندی، ۱۳۸۹ ه.ش: ۵/۱۶۵) میرداماد نیز که تحت نظارت پدر شیخ بهایی تعلیم دیده بود ارتباط نزدیکی با دربار شاه عباس داشت (Beyg Monshi Torkman, 1896) برخی اعتقاد دارند که

می‌خواهند قسم بخورند، می‌گویند به سر شاه‌عباس و اگر کسی به خدا، یا به کلام او، یا از این قبیل قسم بخورد، آنقدر به حرف او اعتماد نمی‌کنند، تا به این که بگویند قسم به سر شاه» (Della Valle, 2005) اقدامات مذهبی شاه‌عباس از جمله پیاده رفتن وی به مشهد و سایر توجهات وی به مقدسات شیعی از نظر مردم ایران به عنوان یکی از سلاله امامان شیعه و یک شخص شبه مقدس بود، که در اندیشه و احساسات مردم ایران اثر عمیقی گذاشت شاردن می‌نویسد: "ایرانیان به خوب و بد زندگی، سختیها و ستمها، و فرازها و نشیبهایی که در طول حیات با آنها رویارو می‌شوند به نظر فلسفی می‌نگرند، به نیک یا بد آینده توجه زیاد ندارند؛ نه از بدش می‌هراسند، و نه از خویش خرم و غره می‌شوند... و بر این اعتقادند هرچه خدا خواهد، همان می‌شود؛... به رضای دل تسلیم تقدیرند." مردم بر این اعتقادند که فرمان خدا ما فوق حکم پادشاه است و اگر شاه فرمانی خلاف دین داد سر برتافتن واجب می‌شود." بر اساس گزارش‌های تاریخی به نظر می‌رسد وضعیت محبوبیت و مشهوریت مذهبی عباس در بین مردم وضعیت مطلوبی بوده باشد که بخشی از این وضعیت در واقع محصول اقدامات مذهبی وی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

رویکرد مذهبی شاه‌عباس اول با اقدامات سازنده او در ابعاد مختلف دینی و مذهبی قابل احصاء می‌باشد، شاه‌عباس با توسعه اماکن مذهبی، ساختارسازی‌های دینی، تعامل با علماء و دانشمندان که تعدادی از آنان نیز تحت حمایت او توانسته بودند رشد و پرورش نمایند و با هدایت علماء برای تألیف کتابهای ارزشمند و غیره، توانست خود را به عنوان یک پادشاه با رویکرد مذهبی مطرح نماید که همه اینها بیانگر ویژگی‌های خاص مذهبی این شاه مقتدر بوده است.

هرچند شاه‌عباس همچون بسیاری از پادشاهان ایرانی از فضای حرمسرای به شاهی و سلطنت رسیده بود، لیکن او خوب اندیشیدن و خوب زیستن را با تعامل با دانشمندان شیعی معتدل فرا گرفت و تحت تربیت دینی شیخ بهایی‌ها واقع گردید و در مقابل خدمات

ساختار دینی صفویه با یکدیگر پیوند بخورد و طی آن ابعاد گوناگون فعالیت‌های اعضای ساختار دینی وی شکوفایی تازه‌ای پیدا نمایند (Sefat Gol, 2010) شاه‌عباس حتی یک عالم و فقیه برجسته دینی به نام خلیفه سلطان را در راس ساختار دیوانی قرار داد در این دوره عالی‌ترین منصب دینی در دست پدر (میر رفیع الدین) و عالی‌ترین منصب دیوانی در دست پسر بود و این خود نشان دهنده سیاست خاص عباس برای حفظ پیوند دینی و دیوانی بود (Sefat Gol, 2010).

از اقدامات مذهبی شاه‌عباس توسعه اماکن مذهبی بود که با تشویق وی ده‌ها حوزه علمیه بنا شد و فقه، اصول، کلام، ادبیات، حکمت و عرفان رونق گرفت (Mahdavi, 2007) شاردن می‌نویسد: در اصفهان افزون بر یک‌صد مسجد و مدرسه وجود داشت (Sharif Razi, 1973) نیومن می‌گوید: اصفهان در پایان قرن حدود ۱۵۰ مسجد، ۴۸ مدرسه مذهبی در بر داشت که مساجد، مدارس علوم دینی، مقابر و دیگر عمارات صفوی با کاشی‌های رنگارنگ لعاب دار و موزائیک‌ها بی که در زیبایی نظیر نداشت پوشانده می‌شد (Savory, 2005) شاردن در رابطه با ساخت بزرگ‌ترین مسجد توسط عباس می‌نویسد "مسجد عتیق... پیش از آنکه شاه‌عباس بزرگ مسجد شاه را بنا نهد، بزرگ‌ترین مساجد اصفهان بود." تاورنیه می‌نویسد: "عباس در مشهد مسجد خیلی عالی بنا نهاد و گنبدش را از طلا ساخت" (Tavernier, 1990) به هر حال این‌ها همه از توجهات دینی و مذهبی عباس اول در جهت ساخت مسجد و مدرسه علوم دینی بوده است و تعلقات وی را نشان می‌دهد.

نگاه جامعه‌شناسی نسبت شاه‌عباس

عباس مردمش را دوست داشت و از وضع آن‌ها باخبر بود، او با لباس مبدل زمانهای زیادی را به قدم زدن در خیابان‌ها و تردد در بازارها و همصحبتی با مردم در چایخانه‌ها مشغول بود، بسیار شوخ طبع و جامه‌اش ساده بود (Savory, 2005) پیترو دل‌واله می‌نویسد: "نام شاه‌عباس به کرات برده می‌شد و گمان می‌کنم تمام اشعار در مدح او بود. باید بگویم شاه در ایران آنقدر مورد ستایش است، که وقتی

مذهبی شاه عباس، خود گویای تعلق مذهبی این شاه بزرگ صفوی می‌باشد و به نظر می‌رسد هرچند نگاه سیاسی بر عباس غلبه داشته است، لیکن نمی‌توان وی را از تقیدات و تعلقات دینی و مذهبی بدور دانست.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Shah Abbas I, a pivotal figure in the Safavid dynasty, has long been a subject of interest due to his religious policies and their interplay with his political maneuvers. The duality in his personality—portrayed as either a devout adherent to Islamic principles or an opportunistic monarch manipulating religion for political gain—provides fertile ground for scholarly exploration. This study delves into Shah Abbas's religious devotions, assessing their sincerity and impact on his governance. Historical sources often highlight his adherence to Twelver Shi'ism and Islamic practices, including obligatory prayers, fasting, and organizing mourning ceremonies. His self-presentation as a devout Shi'a and a Sayyid committed to venerating the Ahl al-Bayt and Imam Ali further cemented his religious identity. Whether these devotions were genuine or strategically implemented for political purposes remains a contested issue. However, as noted by Qomi, Shah Abbas's religious achievements, including the establishment of numerous endowments and his commitment to sacred rituals, underscore a nuanced relationship between his personal beliefs and political strategies (Qomi, 1959).

The religious policies of Shah Abbas I were deeply intertwined with his interactions with Shi'a scholars and clerics. He not only supported prominent figures like Sheikh Baha'i and Mir

سازنده‌ای را به مذهب شیعه و دین اسلام ارائه نمود، به نحوی که در گزارشات تاریخی از وی به بزرگی یاد شده است و پس گذشت چندین قرن هنوز اقدامات ارزشمند او در ایران اسلامی چشم گیر است.

گزاره‌های مذکور نمایانگر آن است که شاه عباس به عنوان پادشاهی سیاست مدار و باکیاست، از مذهب بهره‌برداری مناسبی را برای موفقیت حکومت خود نمود و با مدیریت خود حد و مرز و حریم‌های شاهی را به خوبی ترسیم نموده و در مقابل نیز خدمات ارزنده‌ای را به مردم و مذهب خویش ارائه داد. دستاوردهای دینی و اقدامات

Damad but also used their intellectual prowess to fortify the Safavid state's religious infrastructure. Shah Abbas's active involvement in the construction of mosques, madrasas, and other religious institutions speaks volumes about his commitment to embedding Shi'ism into the fabric of Iranian society. His development projects, including the expansion of Imam Reza's shrine in Mashhad, highlight his dedication to promoting religious devotion while simultaneously asserting political dominance. As Tavernier observes, Shah Abbas's focus on Mashhad may have had economic motivations, yet the profound reverence he displayed towards this holy city suggests a genuine spiritual connection intertwined with pragmatic statecraft (Tavernier, 1990).

The Safavid ruler's interactions with Shi'a scholars were marked by mutual respect and strategic alliances. He sought to establish Iran as a center of Shi'a scholarship, inviting renowned theologians and jurists to settle in his domain. This symbiotic relationship not only enhanced the intellectual vibrancy of the era but also legitimized his rule in the eyes of the religious community. Shah Abbas's approach to integrating religious authority into the state apparatus was exemplified by his appointment of high-ranking clerics to administrative positions, such as Sheikh Baha'i's role in drafting the comprehensive "Jame' Abbasi," a religious guide for governance (Sefat Gol, 2010). These measures solidified the Safavid dynasty's Shi'a identity,

ensuring its dominance in the region while fostering a unique blend of religious and political authority.

Shah Abbas's engagement with extremist religious groups and sects further underscores his strategic use of religion as a tool for statecraft. By curbing the influence of factions like the Qizilbash and other radical groups, he mitigated internal dissent and reinforced the centralized power of the Safavid state. His policies towards Sunni minorities and other Islamic sects were often shaped by political considerations, aiming to balance religious orthodoxy with political pragmatism. This delicate balance is reflected in his patronage of Shi'a shrines while maintaining a calculated approach to inter-sectarian relations. Shah Abbas's ability to navigate these complexities is a testament to his astute leadership, which seamlessly blended religious fervor with political acumen (Ghadyani, 2008).

The ruler's personal piety and public displays of devotion played a crucial role in shaping his legacy. Shah Abbas's pilgrimages to sacred sites, such as his famous walk to Mashhad, were not merely acts of faith but also powerful demonstrations of his commitment to Shi'ism. These acts endeared him to his subjects, elevating his status to that of a quasi-sacred figure in the collective consciousness of the Iranian people. His simplicity in dress and demeanor, as noted by Tajbakhsh, further reinforced this image, creating a deep bond between the monarch and his populace (Tajbakhsh, 1999). Such symbolic acts not only strengthened his rule but also laid the foundation for the enduring prominence of Shi'a Islam in Iran's national identity.

In conclusion, Shah Abbas I's religious policies and devotions were far from monolithic. They reflected a complex interplay between personal belief, political necessity, and the broader socio-religious context of the Safavid era. His contributions to the development of Shi'a scholarship, the construction of religious infrastructure, and the promotion of religious rituals demonstrate a ruler deeply invested in the spiritual and temporal well-being of his

kingdom. While some historians, like Sykes, question the sincerity of his religious motivations, others, including Savory, argue that his actions reveal a genuine commitment to Shi'ism (Savory, 2005). Ultimately, Shah Abbas's legacy is a testament to the enduring power of religious devotion as both a personal and political force in shaping history. His reign serves as a pivotal chapter in the story of Iran's transformation into a bastion of Shi'a Islam, illustrating the profound impact of faith on the dynamics of power and governance.

References

- Ahmadi Kermani, Y. (2007). *Tarikh-e Yahya*. Shahid Bahonar University of Kerman.
- Azhand, Y. (2001). *History of Iran: The Safavid Period*. Jami.
- Beyg Monshi Torkman, E. (1896). *Tarikh-e Alam Ara-ye Abbasi, Vol. 1*. Dar al-Taba'at Agha Seyed Morteza.
- Della Valle, P. (2005). *The Travelogue of Pietro Della Valle*. Scientific and Cultural Publications Company.
- Ebrahimi Dinani, G. H. (2006). *The Adventure of Philosophical Thought in the Islamic World, Vol. 2*. Tarh-e No.
- Etemad al-Saltaneh, M. H. i. A. (1984). *Tarikh-e Montazam-e Naseri, Vol. 2*. Donyaye Ketab.
- Fasai, H. i. H. (2003). *Farsnameh-ye Naseri, Vol. 1*. Amir Kabir.
- Ghadyani, A. (2008). *Comprehensive Culture of Iranian History, Vol. 2*. Aron.
- Ghaffari Kashani, A. i. M. (1984). *Tarikh-e Negarestan*. Hafez Bookstore.
- Mahdavi, M. a.-D. (2007). *A'lam-e Esfahan, Vol. 4*. Isfahan Municipality Cultural and Recreational Organization.
- Mirkhwand, M. i. K. S. (1854). *Rowzat al-Safa*. Dar al-Taba'at Khassa Jadida.
- Qomi, S. A. (1959). *Muntaha al-Amal, Vol. 2*. Elmi Publications.
- Ravandi, M. (1975). *Social History of Iran, Vol. 2*. Amir Kabir.
- Savory, R. (2005). *Iran Under the Safavids*. Markaz Publishing.
- Sefat Gol, M. (2010). *The Structure of Religious Institutions and Thought in Safavid Iran*. Rasa.
- Sharif Razi, M. (1973). *Ganjineh-ye Daneshmandan, Vol. 7*. Islamiyah Bookstore.
- Sykes, S. P. M. (2001). *History of Persia, Vol. 2*. Afsun.
- Tajbakhsh, A. (1999). *History of the Safavid Era*. Navid Shiraz.
- Tashakkori, A. A., & Elham, N. (2014). Interaction and Confrontation of Sufism and Shiism in the Safavid Era. *Scientific-Research Journal of Historical Studies, University of Isfahan*(22).
- Tavernier, J.-B. (1990). *Tavernier's Travelogue*. Sanai Library.